

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۲، پیاپی ۱۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۳۹-۲۰۹

شکل گیری گفتمان انتقادی چندهمسری در جراید ایران اواخر دوره قاجار^۱ عباس قدیمی قیداری^۲، ندا سنبلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

چکیده

اواخر دوره قاجار و به طور مشخص در دوره مشروطه، تحت تأثیر فضای باز سیاسی و اجتماعی، مسائل جدیدی در ارتباط با زنان مطرح شد که قبل از آن هیچ سابقه‌ای نداشت؛ از جمله این مسائل، مسئله چندهمسری بود که در کانون توجه برخی جراید و روزنامه‌ها و روشنفکران و درس خوانده‌ها قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد این روزنامه‌ها و نویسندگان آن‌ها که تغییر در وضعیت زنان را از زمینه‌های بنیادین تحول اجتماعی ایران می‌دانستند، گفتمانی انتقادی از مسائل سنتی زنان و از جمله چندهمسری را به ظهور رساندند. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که آنان با نوشتار صریح، طنز انتقادی، اشعار عامیانه و کاریکاتور به نقد مسئله چندهمسری و علل و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن پرداختند. این مقاله در پی آن است که با روش تحلیل مضمون روایت‌ها که یکی از روش‌های تحلیل محتواست به کشف و شناخت چگونگی و چرایی شکل‌گیری گفتمان انتقادی در روزنامه‌ها و جراید این عصر، پیامون مسئله چندهمسری بپردازد؛ گفتمان انتقادی که در تحول فرهنگی جامعه ایران نقش مؤثری ایفا کرد.

کلیدواژه‌ها: ایران، دوره قاجار، زنان، چندهمسری، گفتمان انتقادی، جراید.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2025.49841.1779

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول):
ghadimi@tabrizu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران:
nedasonboli@tabrizu.ac.ir

- مقاله برگرفته رساله دکتری عنوان "از سنت تا آسیبی اجتماعی؛ تأملی تاریخی بر پدیده کودک همسری در ایران (با تکیه بر دوره قاجار)" با دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۲ است.

مقدمه

در روند دگرگونی جامعه ایران عصر قاجاری و به‌ویژه عصر مشروطه، یکی از مسائلی که در پاره‌ای از جراید و روزنامه‌ها مورد توجه قرار گرفت، مسئله چندهمسری یا تعدد زوجات بود. چندهمسری در جایگاه یک پدیده که برخی از عناصر سنت نیز آن را تأیید می‌کرد، به‌عنوان یک پدیده غالب در ساحت ازدواج و خانواده در جامعه ایران به شمار نمی‌رفت، اما پدیده‌ای بود که در برخی طبقات و گروه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد. بر همین اساس با ایجاد فضای جدید در جامعه ایران عصر مشروطه که بخشی از آن دور از مسائل سیاسی، به مسائل سنتی اجتماعی و فرهنگی اختصاص داشت، مسائل زنان در نزد برخی روشنفکران و درس‌خوانده‌ها که منتقد اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رفتند، مورد توجه قرار گرفت و در نهایت در روزنامه‌ها و جراید به گفتمان انتقادی بدل شد.

چندهمسری، کودک‌همسری، آموزش زنان و خشونت علیه زنان ازجمله این مسائل بود. از میان این مسائل، به چندهمسری به‌عنوان یک مسئله مهم در حوزه زناشویی و خانواده در روزنامه‌ها و جراید پرداخته شد و علل و عوامل آن و همین‌طور پیامدهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی آن که آسیب‌هایی را متوجه زنان و کانون خانواده و در نهایت جامعه ایران می‌کرد به شکل انتقادی در جهت آشناکردن بخشی از زنان ایران نسبت به مسائل خود مورد توجه قرار گرفت.

این مقاله مسئله چندهمسری و علل و عوامل و پیامدهای مختلف آن را در برخی جراید و روزنامه‌های اواخر عصر قاجار چاپ داخل و خارج ایران بررسی کرده است تا شناختی از رویکرد و نحوه مواجهه این جراید با مسائل زنان به دست داده شود. از آنجاکه تا پیش از مشروطه به مسئله چندهمسری و تعدد زوجات در روزنامه‌ها و جراید پرداخته نمی‌شد در این مقاله روزنامه‌ها و جراید پس از مشروطه تا پایان دوره قاجار که به مسئله چندهمسری پرداخته‌اند، بررسی شد. همچنین تلاش شده است تا برای نشان‌دادن تکاپوهای جراید و نقد چندهمسری جراید چاپ داخل و خارج کشور را که به این مسئله پرداخته و در دسترس بودند، بررسی شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم وجود پژوهش‌هایی در حوزه مطالعات مذهبی و جامعه‌شناسی درباره چندهمسری، در حوزه تاریخی پژوهش‌های مستقل و جداگانه‌ای صورت نگرفته است. آنچه در پژوهش‌های صورت گرفته و در دسترس به چندهمسری پرداخته‌اند، تحقیقاتی است که به بررسی خانواده، ازدواج و زنان در دوره قاجار پرداخته‌اند، باین حال این پژوهش‌ها در بخشی کوتاه به توصیف پدیده چندهمسری در این دوره آن هم بیشتر از نگاه

سفرنامه‌های خارجی پرداخته‌اند.

ازجمله آن‌ها می‌توان به سهیلا ترابی فارسانی اشاره کرد که در سال ۱۳۸۸ در مقاله «تکاپوی زنان عصر قاجار: فردیت، جهان سنت و گذار از آن» در اشاراتی به مسئله چندهمسری در سفرنامه‌ها و خاطرات پرداخته است. حسین آبادیان و زهره صفری نیز در مقاله‌ای با عنوان «مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه» در سال ۱۳۹۳ در ذیل عنوان مشروطه و خواسته‌های اجتماعی بانوان اشاره‌هایی کوتاه به چندهمسری از روزنامه *عالم نسوان* و *نامه بانوان* دارند. قباد منصوربخت و معصومه حسینی در مقاله «آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌ها» منتشر شده به سال ۱۳۹۴ در مبحثی تحت‌عنوان تعدد زوجات مردان، به مسئله چندهمسری با توجه به سفرنامه‌ها پرداخته‌اند.

مقاله «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه» منتشر شده در سال ۱۳۹۵ توسط محمدعلی علی‌زاده و علی باغدار دلگشا که در نشریه *زن و جامعه* به چاپ رسیده است؛ اشاره‌هایی کوتاه به چندهمسری یا تعدد زوجات در روزنامه ایران نو دارد. مقاله دیگری نیز با عنوان «مقایسه جایگاه اجتماعی زنان در سه سفرنامه عصر ناصری» توسط صدیقه بیات و دیگران در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده و همان‌گونه که از عنوان آن مشخص است، جایگاه اجتماعی زنان را به‌طور کلی بررسی و تنها اشاره کرده که تعدد زوجات و چندهمسری از جمله مواردی در ارتباط با زنان است که در این سه سفرنامه بدان اشاره شده است.

همچنین می‌توان به مقاله «ازدواج و طلاق در ایران عصر قاجار از منظر سفرنامه‌های خارجی» نوشته حسن مجربی و دیگران که در سال ۱۳۹۸ منتشر شده، اشاره کرد. نویسندگان این مقاله تنها به‌صورت بسیار جزئی به توصیف وضعیت چندزنی یا تعدد زوجات از دید برخی از سفرنامه‌های خارجی پرداخته‌اند. مقاله «حقوق شهروندی زنان در ایران عهد قاجار» نوشته هادی نوری و دیگران که در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه *مطالعات جامعه‌شناختی* به چاپ رسیده در ذیل عنوان حق برخورداری از عدالت و برابری قانونی اشاره‌ای کوتاه به مسئله تعدد زوجات دارد.

محمدحسین شریفی ساعی و تقی آزاد ارمکی در مقاله «زنان و نظم جنسیتی پدرسالار؛ روایت تاریخی از زندگی خانوادگی زنان در عصر قاجار» در بخشی تحت عنوان چندزنی؛ نبرد هووها، به استناد از سفرنامه‌ها به این مسئله پرداخته و از بین جراید تنها به روزنامه *ایران نو* استناد کرده است. این مقاله در دی ماه ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است.

همچنین محمدحسین شریفی ساعی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تاریخ بیداری زنان؛ بازنمایی مسائل زنان و خانواده در روزنامه‌نگاری دوران مشروطه» که در ۱۴۰۱ منتشر کرده با استناد به تنها یک شماره از روزنامه‌های *قانون*، *ایران نو*، *شکوفه* و *عالم نسوان*، در مبحثی تحت عنوان مبارزه با چندهمسری مردان به این موضوع پرداخته است. افزون‌بر آن، مقاله عباس قدیمی قیداری و ندا سنبل با عنوان «زن یکی بیش مبر زانکه بود فتنه و شر؛ پژوهشی بر پدیده چندهمسری در متون ادبی و سیاسی دوره قاجار» منتشر شده در سال ۱۴۰۱ که می‌توان گفت تنها پیشینه مستقل درخصوص چندهمسری در مطالعات تاریخی که به‌طور اختصاصی به بررسی این مسئله در متون ادبی و سیاسی پرداخته است.

کتابی نیز در سال ۱۴۰۲ از خانم افسانه نجم‌آبادی و ترجمه محمد سروی زرگر با عنوان *جریان‌های پنهان خانوادگی* منتشر شده که به مسئله چندهمسری‌هایی که در خانواده نویسنده وجود داشته، پرداخته که همسران مرد از وجود یکدیگر اطلاع نداشتند. با توجه به عناوین آثار فوق‌الذکر و بررسی محتوی آن‌ها، در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور مستقل به بررسی دیدگاه روزنامه‌ها و جراید این دوره پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر به‌طور مستقل با نگاهی تاریخی پدیده چندهمسری، علل و نتایج و پیامدهای آن را در جراید و روزنامه‌های عصر قاجار بررسی و تحلیل کرده است.

مفهوم و مبنای چندهمسری

تک‌همسری و چندهمسری از مباحث جامعه‌شناسی خانواده است و در ذیل ازدواج بحث می‌شود (شیخی، ۱۳۸۰: ۷۴). در اصطلاح چندهمسری یا polygamy به ازدواجی گفته می‌شود که در آن بیش از چند همسر درگیر باشند. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس بر این عقیده است دو نوع چندهمسری وجود دارد: نوع اول که چندزنی است بر این مبناست که مرد می‌تواند در یک زمان با بیش از یک زن ازدواج کند؛ نوع دوم یا چندشوهری که کمتر معمول است بر این مبناست که زن ممکن است به‌طور هم‌زمان دو شوهر یا بیشتر داشته باشد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۲۶). منظور ما در این مقاله چندهمسری نوع اول یعنی چندزنی است.

در مستندسازی مسئله چندهمسری، فقها معمولاً به دو آیه استناد می‌کنند:

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»

و اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان (ازدواج یا دختران یتیم) مراعات عدل نکنید پس آن‌کس از زنان را به نکاح خود درآید که شمارا نیکو و (مناسب یا عدالت) است: دو یا سه یا

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۱۳

چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که (چون زنان متعدد گیرید) راه عدالت نپیموده و به آن‌ها ستم می‌کنید پس تنها یک زن اختیار کنید یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید که این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری است (نسا: ۳)

آیه دیگری که از نظر فقها به چندهمسری دلالت دارد آیه ۱۲۹ سوره نسا است:
«وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا»

شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید، هرچند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید، پس به تمام میل خود یکی را بهره‌مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید، همانا خدا بخشنده و مهربان است (نسا: ۱۲۹)

فقها معتقدند آیات دیگری نیز وجود دارد که به‌طور غیر مستقیم دلالت بر مشروعیت چندهمسری دارد؛ مانند آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب (رستمی تیریزی، ۱۳۸۷: ۵۲۸).^۱ تفاسیر قرآنی چون المیزان طباطبایی نیز تأیید می‌کنند که این آیات دلالت بر چندهمسری دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹۱/۴).

به‌طور کلی چندهمسری یا چندزنی را نتیجه رویه‌های ریشه‌دار مردسالارانه، اعتقادات فرهنگی و کلیشه‌ها و رسم‌های تبعیض‌آمیز می‌دانند که موجبات تفاوت سنی بیشتری را بین زوجین فراهم می‌آورد. آشکار است مردی که برای سومین بار یا چهارمین بار ازدواج می‌کند، باید بین او و همسرش تفاوت سنی زیادی وجود داشته باشد (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). تأثیر آن نیز شامل آسیب به سلامتی زن، به معنای سلامت جسمی، سلامت روحی و اجتماعی، زیان مادی و محرومیت همسران و آسیب‌های عاطفی و مادی به کودکان است که اغلب عواقب جدی برای رفاه آن‌ها به همراه دارد (خشونت جنسی و جنسیتی، ۱۴۰۰: ۱۲۰-۱۱۹).

چندهمسری در دوره فاجار

در دوره فاجار پدیده چندهمسری، حتی در مردان بدون استطاعت مالی و بی‌سواد و جهل نسبت به حقوق شرعی و عرفی از دیگر معضلات اجتماعی زنان بود. در توجیه رواج پدیده چندهمسری در دوران سنت عللی مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره

۱. یا نساء النبی لسنن کأحد من النساء إن اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً / و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى و أقمن الصلوة و آتین الزکاة و أطعن الله و رسوله إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً (احزاب: ۳۳-۳۲)

نمود:

عدم تناسب جمعیتی و کثرت زنان نسبت به مردان، بیماری یا پیرشدن سریع زنان به دلیل زایمان‌های مکرر و فقدان بهداشت، مصالح سیاسی و قومی، میل مردان ثروتمند و متمول به کام‌جویی، با این دیدگاه که «زن جوان، مرد پیر را جوان می‌کند» (بابن و هوسه، ۱۳۶۳: ۱۱۷-۱۱۶) و نیز این که داشتن حرم‌سرا و زنان متعدد، نشانه شوکت و ثروت مرد بوده است (دلریش، ۱۳۷۵: ۲۳).^۱

بررسی‌ها در جامعه ایران عصر قاجار نشان می‌دهد بروز پدیده چندهمسری تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است؛ اولین آن‌ها عامل فقهی - مذهبی است؛ این که دین اسلام به مردان اجازه داشتن چند همسر را می‌داد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۰۲؛ سرجان ملک، ۱۳۸۰: ۸۴۰/۲؛ دروویل، ۱۳۸۷: ۷۱؛ لایارد، ۱۳۶۷: ۱۰۸؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۸؛ بروگش، ۱۳۸۹: ۲۰۳؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۳۱۶؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۹۳؛ موزر، ۲۵۳۶: ۲۱۸؛ تویوکیچی، ۱۳۹۲: ۱۳۵؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۰؛ رایس، ۱۳۸۳: ۸۶؛ گروته، ۱۳۶۹: ۱۴۳؛ کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۱۹۴؛ ملانصرالدین به نقل از دشتکی‌نیا، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۴؛ Binning, 1857: 400) و همچنین وجود این عقیده که گرفتن زنان بیشتر، مردان را به سعادت بیشتری می‌رساند (ژوبر، ۱۳۲۲: ۸۳). در نتیجه اهالی ایران مانند دیگر مسلمانان حدی برای زن بردن قائل نبودند (ملک، ۱۳۸۰: ۸۴۰/۲).

عامل مهم دیگر در بروز پدیده چندهمسری، وضعیت اقتصادی بوده است. به گونه‌ای که هرکس به اقتضای سطح معیشت خود، می‌توانست چند زن اختیار کند (همان؛ لایارد، ۱۳۶۷: ۱۰۸؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۸؛ بروگش، ۱۳۸۹: ۲۰۳؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۳۱۶؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۹۳؛ دروویل، ۱۳۸۷: ۷۱؛ موزر، ۲۵۳۶: ۲۱۸؛ تویوکیچی، ۱۳۹۲: ۱۳۵؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۰؛ رایس، ۱۳۸۳: ۸۶؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۸)، به همین علت برخی از منابع دوره قاجار چندهمسری را مخصوص ثروتمندان دانسته، از آن جهت که نگهداری چندین زن و تشکیل حرم‌سرا نیاز به هزینه زیادی دارد.

هنریش بروگش آلمانی که در زمان ناصرالدین‌شاه در ایران بوده، چندهمسری را مخصوص «پول‌داران و ثروتمندان» دانسته و اشاره می‌کند که در دیگر ممالک عربی و عثمانی نیز وضع به همین ترتیب است و مردان طبقات کم‌درآمد و متوسط فقط به یک زن اکتفا می‌کنند، زیرا نگهداری زنان متعدد و تشکیل حرم‌سرا متضمن تحمل هزینه و خرج زیاد بوده است (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۰؛ آشتیانی (عمادالدقتر)، ۱۳۸۷: ۱۷۲؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۷). با این حال الیویه فرانسوی که در آغاز قرن ۱۹ در ایران بود نظر دیگری دارد، او معتقد است که تعداد زنان و

۱. (رک. قدیمی قیداری، عباس و ندا سنبل، ۱۴۰۱: ۱۱۲-۸۳).

کنیزان زیاد است و بین مخارج آن و ثروت و قدرت مرد ارتباطی وجود ندارد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۹).

بنابر نظر برخی ناظران خارجی در اواخر دوره قاجار «به دلیل فقر کشور و شاید به دلیل نگرانی همسران رقیب، تعدد زوجات در ایران نادر شده است؛ حتی ایرانیان این رسم را «بی‌مد» می‌دانند» (Sykes, 1910: 75). احتمالاً غیر از فقر، علل دیگری از جمله بروز جنگ جهانی اول نیز در کاهش این پدیده بی‌تأثیر نبوده است. پس می‌توان گفت، چندهمسری در ایران قانونی بود، اما شکل رایج و مسلطی در الگوی زیست اجتماعی و خانوادگی نبود. این موضوع عمدتاً به استطاعت مالی مرد بستگی داشت که بتواند چندهمسر و کودکان فراوان را تأمین کند یا نه، استطاعتی که به عده بسیار اندکی محدود می‌شد (بالسلو، ۱۴۰۰: ۲۴۳)؛ زیرا طبق گفته منابع گویا هنگامی که یک شخص دو زن را به نکاح در می‌آورد، هر دوی آن‌ها او را مجبور می‌ساختند که اسباب زندگی و عمارتی جدا با لوازم و خدام و البسه و جواهر فراهم سازد (ویلس، ۱۳۶۳: ۱۲۲-۱۲۱).

علت مهم دیگر در بروز پدیده چندهمسری، عوامل اجتماعی، به‌ویژه نازایی زنان بوده است. با این حال، جلب رضایت همسر اول از جمله شروطی است که سفرنامه‌نویسان برای ازدواج مجدد به آن اشاره کرده‌اند (دوبد، ۱۳۸۴: ۲۱۱). به دنیا آوردن متوالی فرزندان دختر و رغبت برای داشتن فرزند پسر و همچنین بزرگ‌تربودن همسر(زن) از دیگر عوامل ذکر شده است (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۲۷۱). از نمونه‌های این امر می‌توان به گفته عین‌السلطنه در سال ۱۳۰۸ قمری استناد کرد که گزارش می‌دهد: «حضرت نایب‌السلطنه چهار زن گرفته و خیال دارد سه چهار زن دیگر نیز بگیرد تا دارای اولاد پسر گردد» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۴۰/۱). این امر همچنین در بین ایلات نیز وجود داشته است، به گونه‌ای که بیشتر ازدواج‌های دوم در ایل فقط به جهت داشتن اولاد یا اولاد ذکور است (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۷-۲۷۵). هرچند مطالعات و تحقیقات پزشکی امروزه ثابت کرده است تعیین جنسیت کودک، تنها به مردان اختصاص دارد و مشکل ناباروری نیز تنها مشکلی زنانه نیست، بلکه ممکن است اختصاص به مردان هم داشته باشد.

درحقیقت، از نگاه منابع این دوره، سوزناک‌ترین دردی که آتش در جان زن ایرانی می‌زد، اقدام مرد برای تجدید فراش و مهر و محبت مرد نسبت به زن جدید بود که در حکم هووی زن اول به شمار می‌رفت (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۸) که تأثیرات روانی این پدیده را می‌نمایاند. همین مسئله در جرایدی چون ملانصرالدین و با ابزار کاریکاتور نیز نمود یافته است. چنان که زن اول با آمدن همسر تازه در جواب فرزندش که می‌پرسد این مهمان کیست، می‌گوید

۲۱۶ / شکل‌گیری گفتمان انتقادی چندهمسری در جراید ایران اواخر دوره قاجار / قدیمی قیداری و سنبل

«مادرت خاک بر سر شده» است (ملانصرالدین، ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷، «تصویر شماره ۱»). درحقیقت روزنامه در پی آن است تا درد و رنج روحی و عاطفی که زنان از این مسئله متحمل می‌شده‌اند را به تصویر بکشد. همچنین تصویرکردن همسر اول به‌همراه فرزندانش در گوشه اتاق، به گوشه رانده‌شدن آنان در زندگی مرد و معطوف‌شدن توجهش به همسر نو را متذکر می‌شود.

برخلاف منابع پیش‌گفته که چندهمسری را امری رایج و مرسوم عنوان می‌کردند، برخی از منابع رواج گسترده آن را با تردید همراه کرده‌اند؛ ازجمله آن‌ها می‌توان به گوینو و دالمانی (گوینو، ۱۳۸۳: ۳۱۱؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۰-۲۵۲) اشاره کرد که در گسترده و رایج بودن آن تردید کرده‌اند.

شاید بتوان از دیگر علل بروز این پدیده را جنگ‌ها، بسته‌بودن جامعه قبیله‌ای و کاهش شمار مردان دانست. چنان‌که این مسئله از قرن‌ها قبل نیز در هر جامعه و در بین هر قومی وجود داشته است. چنان‌که بیانی درباره جنگ و ستیزهای مداوم بین افراد هر قبیله و تأثیر تعداد نفرات جنگی در موفقیت هر ایل اشاره می‌کند که سبب می‌شد تعداد زوجات، فرزندان هر خانواده و در نتیجه تعداد افراد هر قبیله بسیار زیاد شود (بیانی، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۹).

در دوره قاجار نیز به نظر می‌رسد بروز جنگ‌های ایران و روس در افزایش ازدواج‌های نامتناسب از لحاظ سنی و همچنین چندهمسری به دلیل کشته‌شدن بسیاری از مردان جوان این مناطق در جنگ شده باشد که نیاز به بررسی‌های عمیق‌تری دارد.

می‌توان گفت که انواع ازدواج‌ها در ایران، از عقد دائم که معمول‌ترین نوع آن بود تا ازدواج موقت و صیغه، سبب بروز حرم‌سراهای کوچک و بزرگ می‌شد که مربوط به طبقات مرفه بود. در مقابل، رواج این امر در بین طبقات فرودست برای دست‌یافتن به نیروی کار ارزان از طریق افزایش فرزندان بوده است (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۲۹)، پس می‌توان گفت چندهمسری با علل گوناگون در بین طبقات مختلف اجتماعی رواج داشته است.

رویکرد جراید و مطبوعات به مسئله چندهمسری/تعدد زوجات

توجه به زنان و الگوی زیست سنتی و الگوی سنتی ازدواج و تشکیل خانواده آنان به‌عنوان یک مسئله، از زمان مشروطه و حتی پیش از آن مورد توجه روشنفکران و دگراندیشان دوره قاجار قرار گرفته بود و در روزنامه‌ها (مانند قانون، نمره ۱۹: ۳)، کتاب‌ها و آثار دیگر به انتقاد از آن پرداخته شد. هم‌زمان با دوره مظفری و در آستانه مشروطیت، ازجمله مسائلی که از سوی برخی زنان و مردان مورد انتقاد قرار گرفت، چندزنی یا تعدد زوجات بود که خواستار اصلاح آن

بودند (آفاری، ۱۳۷۷: ۱۰).

یکی از روش‌های مقابله با چندهمسری استدلال‌هایی بود که دربارهٔ غیراخلاقی بودنش ارائه می‌شد (بالسلو، ۱۴۰۰: ۲۴۳)؛ بدین ترتیب روشنفکران و دگراندیشان از جمله کسانی بودند که در روند بهبود وضعیت زنان با چندهمسری به مخالفت برخاسته و توجه زیادی به آن نشان دادند و بسیاری از آنان با آن مخالفت کرده‌اند. در این دوره شاهد واکنش‌های همراه با انتقاد به این مسئله از سوی جراید هستیم. آن‌ها در نقد این مسئله در کنار بررسی علل آن به تحلیل پیامدها نیز پرداخته و مخالفت خود را با آن اعلام نمودند.

ملانصرالدین و به‌ویژه علی‌اکبر صابر شاعر منتقد سیاست و جامعهٔ ایران و قفقاز از پیش‌گامان نقد پدیدهٔ سنتی چندهمسری بودند، آنان در مقالات و همین‌طور کاریکاتورها این پدیده را به نقد کشیدند. به‌عنوان نمونه در یک روش ابتکاری از حساب و ریاضی در نقد و نمایاندن زشتی آن انتقاد کردند، به این معنا که در مقاله‌ای با عنوان «کتاب‌درسی جدید» سعی نمودند به شکل ساده و ابتکاری زشتی این کار را در ذهن دانش‌آموزان وارد کنند.

در این روش نویسندهٔ مقاله چند سؤال حساب طراحی کرده و از دانش‌آموزان خواسته به سؤالات پاسخ دهند و جایزه بگیرند. یکی از این سؤالات این است: «کنیزی داریم که از چهار بچه نگهداری می‌کند. این بچه‌ها هر کدام مادرانی جدا دارند. مرد خانه چند زن دارد؟» (ملانصرالدین، ۲۳ و ۹ نقل از دشتکی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۲۹-۱۲۸)

ایران نو نیز از جمله جرایدی است که در مقالاتی چون «لایحهٔ خانم دانشمند» به نقد این مسئله پرداخته و این سؤال را مطرح می‌کند که «آیا هیچ مردی بر خود می‌پسندد که زن او شوهر متعدد اختیار کند؟ حاشا و کلا» (ایران نو، ۲۹ شوال ۱۳۲۷، شمارهٔ ۶۵: ۳؛ ایران نو، ۴ ذی‌القعده ۱۳۲۷، شمارهٔ ۶۹: ۳).

نامهٔ بانوان در مقالهٔ «انسان شرافتمند» اشکال را از قوانین حاکم بر جامعه می‌داند و معتقد است اگر قوانین اصل اسلام در جامعه حکم فرما بود «ما از اروپاییان هم صدها فرسنگ پیش می‌افتادیم» (نامهٔ بانوان، ۲۴ جدی ۱۲۹۹، شمارهٔ ۷: ۳-۲).

عالم نسوان در مقاله‌ای با عنوان «ازدواج تازه» به قلم «هما محمودی» به انتقاد از مسئلهٔ الگوهای ازدواج ایرانی و همچنین چندهمسری پرداخته است و از آن با عنوان «رفتار ظالمانهٔ مردان» یاد کرده است (عالم نسوان، سال ۳، عقرب ۱۳۰۱، شمارهٔ ۲: ۲۸-۲۵) خود درج و آشکارکردن نام یک خانم در شکل نویسنده حرکتی پیشروانه و ساختارشکنانه به شمار می‌رود، از یک‌سو زنان با هویتی آشکار علیه پنهان‌کاری مرسوم در ازدواج اعتراض می‌کنند و از سوی دیگر ساخت مردسالارانه را هدف قرار می‌دهند که در آن زن نباید نامش و هویتش مشخص

شود.

همچنین در مقاله‌ای با عنوان «سرگذشت نوشی» به این الگوهای ازدواج و عدم آشنایی پیش از ازدواج و در نظر گرفتن ثروتمندبودن خواستگار به تنهایی را مورد انتقاد قرار داده است (عالم نسوان، سال ۴، سنبله ۱۳۰۲، شماره ۱: ۳۹-۳۰). نکته قابل توجه آن که نشریات نوپای زنان می‌کوشیدند زمینه‌های ذهنی و شیوه‌های عملی این دگرگونی گفتمانی را مقوله‌بندی کنند و دیدگاه تازه‌ای به زندگی و مسائل زنانه، به زنان توصیه کنند (ترابی فارسانی، ۱۳۹۵: ۹۴-۹۳ و ۸۹)، همچنین از تلاش‌های دیگر آنان تغییر نظام ارزشی زن ایدئال سنتی به زن ایدئال مدرن بود (همان: ۷۰) چنان‌که در نمونه‌های اشاره‌شده قابل ردیابی است.

علی‌اکبر دهخدا، نویسنده و روشنفکر عصر مشروطه که در نوشته‌هایش در *صور اسرافیل* و مقالاتی که خود با عنوان «چرندوپرند» می‌نوشت (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۱۳۰)، این پدیده را به نقد کشید. او در داستان «قندرون» که شرح ازدواج «آخوند ملاعباس» است، می‌نویسد:

«غرور و جوانی حاجی شیخ و هفتصد هشتصد تومان شخصی و جهیز زن، حاجی‌آقا را به حال خود نگذاشت. حاجی‌آقا بعد از ده‌بیست روز یک زن محرمانه صیغه کرد. بعد از چند ماه هم یک زن دیگر عقد نمود. سر سال باز یک زن دیگر را آب توبه سرش ریخته متعه نمود. الان حاجی‌آقا... چهار زن حلال خدایی دارد، گذشته از لفت‌ولیس‌هایی که در حجره رفقا می‌کند.» (دهخدا، بی‌تا: ۱۱۲)

در تحلیل این داستان می‌توان علل اقتصادی در تعدد زوجات را مطرح کرد. از این جهت که آخوند ملاعباس متمول بود، پس می‌توانست هر ماه همسری تازه بگیرد. افزون‌بر این پنهان‌کاری در این امر نیز مهم است و در مغایرت با آیات و روایات اسلامی که رضایت همسر اول برای اختیارکردن همسر جدید را شرط می‌داند، قرار می‌گیرد. مسئله عدم توجه به رضایت همسر اول از سوی مردان در جراید این دوره نیز مورد توجه قرار گرفته است. ملا نصرالدین با به تصویرکشیدن مردی که سه عروسک زن در اطرافش و یکی از آنان در دستانش است و نوشتن این جمله در زیر آن که «چهار دانه کفایت می‌کند» و به‌کاربردن کلمه «دانه» برای زنان، بی‌اختیاری و بی‌ارادگی آنان را در ازدواج‌های چندهمسر گوشزد کرده و به نقد کشیده است (ملا نصرالدین، ۱ دیقابر، شماره ۳۵، «تصویر شماره ۲»).

دهخدا در جایی دیگر هم این مسئله را به معاش و اقتصاد پیوند می‌زند و در نقد صریح مجازبودن چهار همسر عقدی و بی‌شمار صیغگان می‌نویسد: «ماما که دوتا شد سر بچه کج در می‌آد، اما زن چهارتا عقدی، و به قدری هم که دیگر چشم و دل حاجی ندود صیغه، چه ضرر دارد. تو مرد باش نانش را برسان» (دهخدا، ۱۳۵۸: ۲۷۱) در اینجا دهخدا علاوه‌بر انتقاد از

چندهمسری به مشکلات اقتصادی حاصل از آن نیز پرداخته است. گل زرد نیز از جمله روزنامه‌هایی است که در اواخر دوره قاجار در سال ۱۳۳۶ قمری منتشر می‌شد و با ادبیاتی عامیانه به نقد اوضاع سیاسی-اقتصادی-اجتماعی و مسائل زنان نیز می‌پرداخت. در نمره نهم خود شعری منتشر کرده است که در ضمن نقد مسئله چندهمسری، می‌توان آن را به‌عنوان شاهدهی برای معرفی چندهمسری به‌عنوان علت پدیده کودک‌همسری نیز به کار برد.

تازه‌گیا خیال داره	یک بار دیگر زن بگیره
مه دو هفت ساله	شاید که در بر بگیره
پیر شده بازم دلش میخاد	جوانی از سر بگیره
سه چهار تا کور کچل داره	به فکره همسر بگیره

(گل زرد، سال ۴، نمره ۹، دوشنبه، ۲۹ ذی‌الحجه: ۴)

اشاره به «مه دو هفت ساله» در این شعر نشان از علاقه مرد به ازدواج با دخترانی در سنین پایین را نشان می‌دهد.

ایران نو همچنین در یکی از مقالات خود با عنوان «مکتوب خانم دانشمند» چندهمسری را از یک زاویه دیگر مورد توجه قرار داده است. نویسنده مقاله با پیش‌کشیدن بحث مساوات شرایط فقهی و دینی را مطرح کرده و خواستار اصلاح قوانین دینی مربوط به ازدواج شده است. نکته جالب این مقاله این است که عدم تربیت و آموزش ناکافی زنان را علت گرایش مردان به تعدد زنان دانسته است. نویسنده مقاله معتقد است اگر زنان تربیت کافی دیده باشند و بتوانند محیط سالم و امنی را در خانه برقرار کنند، احتمالاً مردان به سراغ زنان دیگر نمی‌روند و ضمن چشم‌پوشی از حق چندزنی به همسر خود اکتفا می‌کنند (ایران نو، سال ۱، ۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۷ق، شماره ۶۹: ۳). نکته قابل توجه آن که نویسنده مقاله علاوه بر نقد مسئله چندهمسری گوشه چشمی به مسئله آموزش زنان نیز داشته است و فقدان آموزش را یکی از علل گرایش مردان به چندهمسری معرفی می‌کند.

نامه فرنگستان دیگر جریده‌ای است که به این مسئله پرداخته و چندهمسری در ایران و عثمانی (ترکیه امروزی) را مقایسه کرده است و گزارش می‌دهد که در عثمانی مردان چنین حقی ندارند. در مقاله‌ای با عنوان «راه نجات» آمده است:

«ما باید از این سرمشق‌ها عبرت بگیریم و به خود آییم. به چه دلیل زن ایرانی برای ترقی به درجات مستعدتر از زنان ترک نیستند؟ دوشیزگان حساس ما که سالیان دراز در زیر قیود جامعه دست‌وپابسته و از دنیا بی‌خبر مانده‌اند ممکن است در

۲۲۰ / شکل‌گیری گفتمان انتقادی چندهمسری در جراید ایران اواخر دوره قاجار / قدیمی قیداری و سنبل

اندک زمانی ترقیات سریعی کرده و به خواهران اروپایی برسند» (کاظمی، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۰۳/ ژوئن ۱۹۲۴: ۶۲). در این مقاله نویسنده تلاش دارد با مقایسه وضعیت زنان ایرانی با زنان ترکیه و اروپایی به تفاوت‌های آن‌ها و انتقاد از وضعیت زن ایرانی بپردازد.

«حسن نفیسی بادکوبه» در نامه فرنگستان درباره «فمینیسم یا زن‌نوازی» آورده که منوط به دو شرط است: یکی از آن‌ها منع تعدد زوجات است که بدون اجرای آن بقیه برنامه نیز اجرا نخواهد شد. از نظر او این رفتار سبب بدبختی زنان ایرانی و حرام‌شدن زندگی آن‌ها، ضعف قوه اقتصادی مملکت و فلاکت اهالی می‌شود (نفیسی بادکوبه، ۱۹۲۴: ۲۸۷). نویسنده به تأثیر تعدد ازدواج در وضعیت جسمی و روحی زنان، وضعیت اجتماعی جامعه و عقب‌ماندگی کشور اشاره دارد. نکته قابل توجهی که از مقاله به دست می‌آید استفاده از واژه فمینیسم است. می‌توان گفت هم‌زمان با ظهور این واژه در غرب آگاهی‌هایی به ایران نیز رسیده بود، چنان‌که در روزنامه تجدد امضاهایی با عنوان فمینیست وجود دارد.

موارد ذکر شده در بالا علاوه بر نشان‌دادن تنوع روزنامه‌ها و جراید داخلی و خارجی و روزنامه‌های مردنگار و زن‌نگار که به این مسئله پرداخته‌اند، زوایای مختلف این پدیده و همچنین علل و پیامدهای گوناگون آن از جمله علل روحی روانی در زنان، فرزندان و به‌طور کلی خانواده، علل و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی را مورد توجه، طرح و نقد قرار داده‌اند. در زیر به این زوایا، علل و پیامدها خواهیم پرداخت.

علل چندهمسری

از آنجاکه چندهمسری یکی از مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی است، دارای دلایل و زمینه‌های گوناگونی است. این دلایل در دوره‌های تاریخی دارای تفاوت‌ها و گاه‌ها شباهت‌هایی هستند. این علل و عوامل مورد توجه جراید منتقد دوره قاجار و مشروطه بوده است و در مقالات خود بدان‌ها پرداخته‌اند که شامل علل اجتماعی - فرهنگی و مذهبی و... است که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

برخی گزارشگران خارجی چندهمسری را رسم و قاعده‌ای فراگیر در جامعه ایران عصر قاجار نمی‌دانند (گویینو، ۱۳۸۳: ۳۱۱؛ مک گرگور، ۱۳۶۶: ۲۶۱) اما به نظر می‌رسد گزارش این مأموران و سیاحان خارجی دقیق نیست، چون اگر چنین بود، بخشی از خواسته‌ها و مطالبات جراید در عصر پسامشروطه حول نقد چندهمسری شکل نمی‌گرفت.

چنانچه از منابع به دست می‌آید این رسم در بین مردم و به‌ویژه زنان پذیرفته و نهادینه

شده بود. از آنجاکه هیچ‌گاه مردی را به خاطر داشتن سه یا چهار زن دائمی و دو یا سه همسر، بدترین مرد نمی‌شناسند (همان) هرچند زنان در درونشان با این مسئله کنار نیامده بودند. *ملانصرالدین* روزنامه پیشرو عصر قاجار، در مقاله «آداب ازدواج» با زبان انتقاد طلاق‌دادن زن را «مثل آب خوردن» دانسته و می‌گوید که هیچ‌کس نمی‌تواند مانع این کار شود (ملانصرالدین، ۲۴ فوریه ۱۹۰۸، شماره ۸: ۳). همچنین در مقاله «زنان ما» از زبان «خاله پاشنه سوراخ» نوشته است: «مثلاً خود من چهل سالم است، ۹ بار شوهر کرده‌ام و همه‌شان طلاقم داده‌اند» (ملانصرالدین، ۲۳ مارس ۱۹۰۸، شماره ۱۲: ۶ و ۳) مدافعان حقوق زنان معتقد بودند، بنیان روابط زن و شوهر در ایران بر پایه زور و نادانی بنا شده است و مردان تلاش می‌کنند این شرایط را حفظ نمایند و تداوم دهند. این مردان در برابر کسانی که خواستار وفاداری آنان به همسرشان باشند، می‌گویند: «خدا آسان کرده هرگاه این قرین مطبوع طبع ما نشد او را طلاق گفته دیگری را اختیار می‌نمایم همچنان الی آخر عمر» (ایران نو، سال ۱، ۲۹ شوال ۱۳۲۷، شماره ۶۵: ۳) یا می‌گفتند: «طایفه انائیه حکم جاریه دارند، ممکن است که چندین زن اختیار نمایم محتمل است که یکی از آنها مطبوع اتفاق افتد» (همان).

همین شرایط بود که زنان تجددطلب را به این نتیجه رساند که «زن و شوهری ایرانی‌ها زناشویی نیست بلکه مرده‌شویی است و زن و شوهر اجباری است؛ زیرا که از ابتدا اساسش درست نیست» (شکوفه، سال ۳، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳، شماره ۷: ۱). یکی از بارزترین نشانه‌های این امر از نظر فعالان حقوق زنان، تعدد زوجات و ازدواج مجدد مردان بود.

آموزش زنان و چندهمسری

مسئله دیگر این که بسیاری از زنان معترض به چندهمسری از جمله طائره (طاهره) خانم که نوشته‌اش در روزنامه *ایران نو* در سال ۱۳۲۷ قمری به چاپ رسید، معتقد بودند که علت اصلی ازدواج مجدد اکثر مردان «کثرت بداخلاقی و نادانی و بی‌تربیتی ما طایفه نسوان» است (ایران نو، سال ۱، ۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، شماره ۶۹: ۳) به نظر می‌رسد طائره خانم نویسنده مقاله در نظر داشت تا از این طریق لزوم آموزش زنان و دختران را به جامعه گوشزد کند. او همچنین این نگرش که مردان زنان را مخلوقی پست می‌دانستند، به انتقاد گرفت (همان).

وی در این مقاله کوشید که مردان ایرانی را از مزایای همسر تحصیل‌کرده آگاه سازد؛ در نتیجه راه‌حل را در آموزش و تربیت دختران و زنان و تأمین امنیت و اطمینان آنان نسبت به آینده خویش در محیط خانواده می‌دانست؛ از این رو خواستار گسترش مدارس دخترانه و تغییر نگرش و رفتار مردان و اصلاح الگوی زیستی و ازدواج زنان و قوانین مربوط به آنها بود. از

نظر او یکی از بزرگ‌ترین مشکلات خانواده‌های ایرانی، آن بود که دختران از دوران بچگی از مادران خود شنیده بودند «اگر شوهر بد شد و مطبوع طبع واقع نشد طلاق گرفته شوهر دیگر اختیار می‌نمایم و این خانه و شوهر موقتی است» (همان) این نوشته علاوه بر نقد فقدان آموزش صحیح رسم زندگی به دختران، به نهادینه‌شدن موقعیت موقتی زنان در خانه همسرانشان در بین خود زنان دوره قاجار اشاره دارد که در نسل‌های مختلف بازتولید می‌شد.

پیامدهای چندهمسری

براساس آنچه از جراید و مطبوعات این دوره به دست می‌آید، می‌توان پیامدها و نتایج چندهمسری را در تقسیمی این چنین جای داد: عدم تأمین خواسته زنان، عدم رعایت عدالت و مساوات، عامل بداخلاقی و جنگ و نزاع در خانه و ایجاد اختلافات و نفاق درون خانوادگی، آسیب‌های روحی - روانی و جسمی هم برای مردان و هم زنان و همچنین کودک‌همسری. پدیده چندهمسری پیامدهای اجتماعی - اقتصادی خاص خود را نیز داشت؛ از جمله اتحاد زنان با یکدیگر علیه مرد و در نهایت کشته‌شدن او را به همراه داشته است؛ مانند آنچه بر سر نایب علی محمد نایب فراش احتساب آمد.^۱

همچنین ایجاد نزاع و نفاق دائمی در محیط خانوادگی از دیگر پیامدهای این مسئله برشمرده شده (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۲) که «بی‌نظمی و ولخرجی» را سبب می‌شده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۷) چنانچه ضرب‌المثلی مهم وجود دارد که می‌گوید: «دو بیر در خانه بهتر از دو معشوقه است» و در واقع حسادت که در چنین موردی به وجود می‌آید را می‌توان به راحتی تصور کرد و این حسادت‌ها گاهی منجر به خوراندن زهر شده که به مرگ یکی از همسران یا شاید خود شوهر ختم گردیده است (Sykes, Ella C. Persia and its People: 75) جراید و مطبوعات دوره قاجار نیز به پیامدهای چندهمسری پرداخته و آن‌ها را مورد نقد قرار داده‌اند.

یکی از پیامدهای مهم چندهمسری که مورد توجه قرار گرفته و خود پیامدهای زیادی داشته درگیری هووها با یکدیگر بوده است. گل زرد در شعری با عنوان «کاشکی می‌مردم نمی‌دیدم هوو» به بیان زبان حال همسر اول مردی دو زنه می‌پردازد. از جمله پیامدهای چندهمسری که در شعر مورد توجه قرار گرفته است «از غصه مردن همسر اول»، «سپیدی مو»

۱. نایب علی محمد نایب فراش احتساب در ابتدا فراش درب اندرون مهدعلیا بود و پس از آن جزو فراش‌های احتساب شده بود. او در سن هشتاد سالگی از زنان و فرزندان خود کناره گرفته و همسر تازه‌ای اختیار کرده بود. چون همسر جدید را کتک زده بود، همسران با هم متحد شده و او را کشته بودند. ناصرالدین شاه دستور نمودن مال کردن زن را صادر کرده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۶۵۱).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۲۳

(گل زرد، سال ۳، نمره ۱، دوشنبه ۴ شوال ۱۳۳۸: ۴)، «خون جگر شدن»، «زرد و ضعیف شدن» و «غصه خوردن» (گل زرد، سال ۴، نمره ۹، دوشنبه، ۲۹ ذی‌الحجه: ۴) می‌باشد. همچنین اشاره شده که زنان از ترس مسموم‌شدن توسط هووی خود، هرگز از غذای دست‌پخت او نمی‌خوردند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۷۵ و ۱۵۷؛ رایس، ۱۳۸۳: ۸۸) غیر از چنین پیامدهایی که گل زرد بدان‌ها پرداخته، نمونه‌هایی نیز از نزاع و خودکشی در بین خانواده‌های چندهمسره در منابع اشاره شده است که شامل تریاک خوردن همسر اول یا خود مرد، خوردن سم الفسار (مرگ موش) است (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۶۳۵ و ۴۳۹ و ۸۱ و ۶۹؛ گزارش‌های اوضاع سیاسی اجتماعی ولایات عصر ناصری (۱۳۰۷ق/ ۱۳۷۲: ۴۲ و ۳۶ و ۳).

عدم رعایت مساوات یکی دیگر از پیامدهای چندهمسری است. به‌ویژه این موضوع در مواجهه مرد با گذران زندگی و امرارمعاش زنان متعدد او جلوه می‌کرد. معمولاً همسر اول از حیث امرارمعاش با مشکلاتی مواجه می‌شد، گل زرد در یکی از شماره‌های خود به آن پرداخته است:

شد شب عید و بچه‌ها لخت و عور
لباس می‌خان همه ز من جوربه‌جور
شوهر من هست به عیش و سرور
ندارد او ز من خبر خان باجی
بکن به حال من نظر خان باجی

(گل زرد، سال ۳، نمره ۳۴، دوشنبه ۱ شعبان، ۳)

در مقابل وضعیت همسر جدید را این‌گونه بیان کرده است:

بهر (هوو) اطلس و مخمل خرید
(و بدشان) و نیم‌تنه ویل خرید
برای من چارقت ململ خرید
کرده مرا خاک‌به‌سر خان باجی
بکن به حال من نظر خان باجی

(همان)

در جایی دیگر و شعری دیگر باز گل زرد همین موضوع را مورد نقد قرار داده است: همسر اول برای مخارج زندگی تمام جهیزیۀ خود را فروخته و «فقیر و لخت» مانده است (گل زرد، سال ۴، نمره ۹، دوشنبه ۲۹ ذی‌الحجه: ۴). چنان‌که همین مسئله و پیامدهای آن را می‌توان در «داستان مشروطه» جلیل محمدقلی‌زاده خالق ملانصرالدین نیز به‌وضوح مشاهده کرد

(قلی‌زاده، ۲۵۳۷: ۱۴۰-۱۱۵) این پیامدها سابقه تاریخی هم داشت، لیدی شیل در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه می‌نویسد: «پول توجیبی و عیدی زن سابق» کم شده و هزینه خرید لباس و وسایل او نیز کاهش یافته است (شیل، ۱۳۶۸: ۸۷). این‌ها نمونه‌هایی هستند از پیامدهای چندهمسری از زاویه شیوه گذران زندگی که خود آسیب‌هایی فراتر از آسیب‌های شخصی و فردی به دنبال داشت.

همان‌گونه که اشاره رفت توجه به تضعیف وضعیت اقتصادی همسر اول در خانواده‌های چندهمسره به‌عنوان یکی از پیامدهای چندهمسری از جمله مسائل مهمی است که در بسیاری از منابع پیش از مشروطه نیز توصیف شده است، اما جراید با استفاده از ابزار مختلفی همچون شعر، داستان‌های منظوم و مثنوی و کاریکاتور آن‌ها را در سطح عمومی جامعه مطرح کردند. از دیگر پیامدهای چندهمسری که در گفتمان انتقادی عصر محل انتقاد قرار گرفته، ظهور اختلافات خانوادگی، جنگ و نزاع بین همسران و آسیب‌های روانی و روحی ناشی از آن در محیط خانه است. نامه فرنگستان معتقد است این مسئله سبب می‌شود که به جای داد و مهربانی که باید بین اعضای یک خانواده در جریان باشد نفاق و خصومت برخیزد (نفیسی بادکوبه، ۱۹۲۴: ۲۸۸).

گل زرد به‌عنوان جریده‌ای مردنگار که اشعار زنانه بسیاری دارد، در اشعار و نوشته‌هایش به این موضوع پرداخته است. در شعری با امضای «مسکین»^۱ از زبان زنی که همسرش زن دیگری گرفته به چند نکته اشاره دارد: طرف علاقه نبودن همسر اول برای شوهر، درگیری‌های بین آنان و آسیب‌های روحی و جسمی هووها، پر بودن خانه از غوغا و شیون و نکته جالب آن که او خود به بی‌جا بودن دعوایشان اشاره کرده است.

در اشعار و نوشته‌های دیگر این جریده چون «بکن به حال من نظر خان‌باجی» با «امضای شلم شوروا خانم» به مشکلات همسر اول که از تعدد زوجات توسط مرد ناشی می‌شد اشاره رفته است. همچون «عبوس بودن شوهر»، «عدم توجه به همسر اول»، «از بین رفتن راحتی و خورد و خواب برای همسر اول» و «در الم و تاب و تب بودن همسر اول» (گل زرد، سال ۳، نمره ۳۴، دوشنبه ۱ شعبان: ۳) همچنین در «شکایت زن از شوهر» به پیامدهایی چون درگرفتن نزاع بین همسر اول و مرد و مادرشوهر اشاره شده است (گل زرد، سال ۴، نمره ۲۰، دوشنبه،

۱. شوهرم افکنده مرا از نظر / دارم از او دو دختر و دو پسر / هوو مرا کرده کنون خاک بسر / دلم از این هوو بود پر شرر / آبیجی جونم شوهر من زن گرفت / رقیب تازه بسر من گرفت / آبیجی دلم ز دست او خون شده / اشک دو چشمم رود جیحون شده / حالم از این هوو دگرگون شده / جفا به من ز چرخ وارون شده / آبیجی جونم شوهر من زن گرفت / رقیب تازه بسر من گرفت / از صبح تا شوم با هوو دعوا داریم / به خانه ما شیون و غوغا داریم / داد و کتک کاری بیجا داریم / هر روز الم شنگی برپا داریم» (گل زرد، سال ۴، نمره ۷، دوشنبه ۱۵ ذی‌الحجه: ۴)

جمادی‌الاول: ۴).

چنان‌که آوردیم درگیری‌های خانوادگی بین هووها و دیگر اعضای خانواده از هر دو سوی روزنامه‌های داخلی و خارجی آن دوره مورد توجه قرار گرفته است. هر دو گروه این جرایم به پیامدهای روحی و روانی این پدیده برای زنان، مردان و دیگر اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان را مورد توجه و تقدیر قرار داده‌اند. از جمله ابزارهایی که این جرایم استفاده کردند که علاوه بر قشر تحصیل‌کرده در فهم عامه و به‌ویژه اقشار بی‌سواد نیز تأثیر به‌سزایی داشت، کاریکاتور بود.

ملانصرالدین در چندین نوبت با انتشار کاریکاتورهایی که درگیری‌ها و نزاع‌های بین خانواده‌های چندهمسره را به تصویر کشیده است به انتقاد از این مسئله پرداخته و پیامدهای نامناسب آن را گوشزد کرده است (ملانصرالدین، ۱۹ یانوار ۱۹۰۷، شماره ۳، «تصویر شماره ۳»؛ ملانصرالدین، ۲۰ آگوست ۱۹۰۷، شماره ۳۱: ۸، «تصویر شماره ۵»).

نکته قابل توجه آن که این منازعات خانوادگی خرافات را نیز گسترش می‌داد و از سوی دیگر خرافه نیز این منازعات را تشدید می‌کرد. دعانویسی یکی از این خرافه‌ها بود. بسیاری از متون و روزنامه‌های دوره قاجار این مسئله را مورد انتقاد قرار داده‌اند (ملانصرالدین، ۱۳ اکتبر، ۱۹۰۸، شماره ۴۱: ۲)^۱ این امر در مجله گل‌زرد نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ از نمونه‌های بارز آن شعری با عنوان «سرگذشت زن جادوگر» است.

در این شعر روی آوردن همسر اول به فالگیر و صرف تمام دارایی‌اش برای «فراهم کردن اساس جادو» و همچنین در نهایت «کشتن مرد» را مورد نقد قرار داده است (گل‌زرد، سال ۴، نمره ۲۱، دوشنبه ۸ جمادی‌الاول: ۴) در مجمع‌الامثال دخو نیز روی آوردن به فالگیری را از پیامدهای چندهمسری دانسته: «خانه‌ای را که دو کدبانو است، یکی‌اش همیشه پیش جام‌زن (فالگیر با جام) است و یکی‌اش همیشه پیش رمال» (دهخدا، ۱۳۵۸: ۲۵۲) با توجه به این گفته چندهمسری غیر از پیامدهای درون خانوادگی، دارای پیامدهای اجتماعی نیز بوده است.

غیر از تأثیرات منفی چندهمسری بر زنان، جرایم به تأثیرات منفی آن بر مردان نیز توجه داشتند. از جمله این تأثیرات منفی بر مرد؛ مانند غم و رنج، بدتر شدن وضعیت مالی، از دست دادن احترام و اقتدار و همچنین قوای جسمی‌اش، فساد و نقصان اخلاقی و در نهایت مرگ زودرس می‌توان اشاره کرد (گل‌زرد، سال ۴، نمره ۲۶، سه‌شنبه ۲۷ رجب، ۱۳۴۱: ۱ و ۲).

۱. «در روستای زابرات یک نفر یهودی هست که از زنان مسلمان ده منات می‌گیرد و برای او دعا می‌نویسد که شوهرش بر سرش هوو نیورد».

۲۲۶ / شکل‌گیری گفتمان انتقادی چندهمسری در جراید ایران اواخر دوره قاجار / قدیمی قیداری و سنبل

همین مجله در مطلبی دیگر تحت‌عنوان «حکایت مرد چهار زنه^۱» (گل زرد، سال ۳، نمره ۳۶، دوشنبه ۲۳ شعبان: ۲) از فسادهای اخلاقی مردی دارای چهار همسر پرده برداشته است.

بررسی این مقالات نشان می‌دهد که هر دو دسته جراید داخلی و خارجی به مسئله درگیری هووها و همچنین روی آوردن آن‌ها به خرافات توجه داشته‌اند و آن را یکی از پیامدهای چندهمسری و از عوامل تشدیدکننده عنوان کرده‌اند.

این گزارش که «عیال مشهدی رحیم نام با شوهرش برای زنی که شوهرش تازه گرفته است نزاعشان شده مشارالیها قدری تریاک می‌خورد... زنان ملا اسدالله مکتب‌دار نیز با همدیگر نزاعشان می‌شود و یکی از آن‌ها تریاک می‌خورد» (۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۰۴؛ اتحادیه، ۱۳۹۵: ۲۵۳؛ شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۱/۳۷۷) پرده از یکی دیگر از پیامدهای چندهمسری یعنی خودکشی کردن زنان دارای هوو برمی‌دارد.

پیامدهای مختلف چندهمسری و زوایای مختلفی از نقد چندهمسری در این اشعار در کنار یکدیگر بیان شده است به همین دلیل از تکرار آن‌ها خودداری شده است.

نتیجه‌گیری

در روند دگرگونی جامعه ایران در عصر قاجار مسائل مربوط به زنان هم مورد توجه بخشی از کنشگران اجتماعی و روشنفکران قرار گرفت. این توجه نشان می‌دهد که مسائل زنان از جمله کودک‌همسری، چندهمسری، خشونت علیه زنان، آموزش زنان به‌عنوان یک دغدغه در روند تحول جامعه ایرانی مطرح بوده است. با تمام موانع سیاسی-اجتماعی و فرهنگی این الگوی زیست سنتی زنان و دختران در جراید و پاره‌ای نوشته‌ها در کتاب‌ها و رسائل محل انتقاد قرار گرفت و به تدریج به یک گفتمان انتقادی در نزد درس‌خوانده‌ها و کنشگران اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. این گفتمان انتقادی مسائل زنان از جمله چندهمسری را مورد توجه و انتقاد قرار داد. جراید به‌عنوان ابزار آگاهی‌بخش در خدمت این گفتمان قرار گرفتند. جرایدی که تحت تأثیر فضای باز سیاسی-اجتماعی ناشی از انقلاب مشروطیت مجال توجه و نقد این مسائل را یافتند. روزنامه‌های مردنگار و زنگار داخلی در کنار روزنامه‌های چاپ خارج به مسائل متعدد زنان و دختران جامعه ایران از جمله چندهمسری توجه کردند، آن را طرح و با استفاده از طنز انتقادی، اشعار عامیانه یا نوشتار صریح، به آن انتقاد کردند و درصدد تغییر آن در

۱. شوهری دارم که سه تا زن دارد/ این سه تا زن را سوای من دارد/ تازه شنیدم که دم پامنار/ فرستاده زن اوسا را خواستگار

جامعه برآمدند. این روزنامه‌ها در نقد الگوی زیست سنتی به علل چندهمسری چون علل اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و پیامدهای آن از جمله عدم رعایت مساوات در بین همسران، تأمین نشدن خواسته زنان، افزایش اختلافات خانوادگی، خودکشی و کودک‌همسری پرداختند. از دیدگاه آنان و تحلیل این دیدگاه می‌توان گفت در نزد این کنشگران و درس‌خوانده‌ها و روشنفکران مسائل زنان از جمله چندهمسری از موانع تحول اجتماعی جامعه ایران شناخته شده و آگاهی‌بخشی درباره پیامدهای آسیب‌زای آن با زبان تصویر، نوشته، اشعار کوچک و خیابان فارغ از ارزش ادبی آن‌ها می‌توانست در تحول اجتماعی و تغییر سرنوشت بخش بزرگی از جامعه ایران مؤثر افتد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد نشریات و جراید چاپ داخل و خارج در کنار یکدیگر و تقریباً هم‌زمان، به این مسئله توجه کرده‌اند و به طرح و نقد آن پرداخته‌اند. همچنین زوایای مورد توجه این جراید شامل زوایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در مقالات و نوشته‌های آنان مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل این مقالات نشان می‌دهد آنان به‌جز این موارد آموزش زنان و تأثیرات اجتماعی - فرهنگی چندهمسری را چه در سطح خانوادگی و چه در سطح کلان‌تر یعنی جامعه مورد توجه قرار داده بودند. آنچه بیشتر در این گفتمان انتقادی جراید جلب توجه می‌کند استفاده از شعرهای فکاهی در مجله گل‌زرد و کاریکاتورهای روزنامه ملانصرالدین، به‌عنوان دو ابزار برای فهم طیف وسیع‌تری از افراد جامعه است. غیر از این دو گفتمان انتقادی ویژه، روزنامه‌ها و به‌ویژه روزنامه‌های زنان بیشتر با نوشتاری صریح به انتقاد از این مسئله می‌پرداختند.

منابع

کتاب‌ها و مقالات

- قرآن کریم، ترجمه الهه قمشه‌ای.
اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۹۵) / اینجا طهران است، مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴ - ۱۳۶۹ق، به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، چاپ ۲، تهران: نشر تاریخ ایران.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵) روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
اورسل، ارنست (۱۳۸۲) سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
اولیویه (۱۳۷۱) سفرنامه اولیویه (تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه)، ترجمه محمدطاهر میراز، به‌تصحیح غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.

۲۲۸ / شکل‌گیری گفتمان انتقادی چندهمسری در جراید ایران اواخر دوره قاجار / قدیمی قیداری و سنبل

آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲) *از صبا تا نیما؛ تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی*، جلد ۳، چاپ ۴، تهران: زوار.
آشتیانی (عمادالدفتر)، میرزا محمود تقی (۱۳۸۷) *عبرت‌نامه (خاطراتی از دوران پس از جنگ‌های هرات و مرو)*، چاپ ۲، تهران: مرکز.

آفاری، ژانت (۱۳۷۷) *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: بانو.
بابن و هوسه (۱۳۶۳) *سفرنامه جنوب ایران*، ترجمه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: دنیای کتاب.

بالسلو، سیوان (۱۴۰۰) *مردانگی ایرانی در اواخر قاجار و اوایل پهلوی*، ترجمه لعیا عالی‌نیا، تهران: نشر همان.

بروگش، هنری (۱۳۸۹) *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*، ترجمه حسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
بیانی، شیرین (۱۳۹۷) *زن در ایران عصر مغول*، چاپ ۴، تهران: دانشگاه تهران.
پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸) *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کی‌کاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.

تانکوانی، ژی‌ام. (۱۳۸۳) *نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا (سفرنامه ژی‌ام. تانکوانی)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: چشمه.

ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۹۵) «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از مشروطه تا پهلوی)»، *تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهراء (س)، ۲۶ (۳۰)، صص ۶۹-۹۲.

Doi: 10.22051/hii.2016.2502

_____ (۱۳۹۴) «زن و تحول امر روزمره با تکیه بر نشریات زنان عصر قاجار»، *تاریخ ایران*، (۷۵)، صص ۱۰۸-۸۹.

تویوکیچی، یه‌ناگا (۱۳۹۲) *سفرنامه یه‌ناگا تویوکیچی در ایران و آناتولی (۱۳۱۷/ق ۱۸۹۹م) ژاپن و تجارت تریاک در پایان قرن نوزدهم*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی نه‌اورا، تهران: طهوری.
خشونت جنسی و جنسیتی: فرهنگ واژگان از الف تا ی، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (fidh) (۱۴۰۰) *ترجمه خلیل رستم‌خانی*، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.

دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵) *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
دروویل، گاسپار (۱۳۸۷) *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
دشتکی‌نیا، فرهاد (۱۳۹۵) *سرگذشت سایه‌ها (هفتاد مقاله از مجله ملانصرالدین درباره کودکان و زنان)*، تهران: تاریخ ایران.

دلریش، بشری (۱۳۷۵)، *زن در دوره قاجار*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

دوید، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۴) *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، چاپ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۸) *مقالات دهخدا*، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: علمی.

_____ (بی‌تا) *چرند و پرند*، معرفت.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۲۹

رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳) *سفرنامه کلارا کولیور رایس (زنان ایرانی و راه‌ورسم زندگی آنان)*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.

رستمی تبریزی، لمیا (۱۳۸۷) «تعدد زوجات و شرایط آن در لایحه حمایت خانواده»، *خانواده پژوهی*، سال ۴، ویژه‌نامه نقد و بررسی لایحه حمایت خانواده.

ژوبر، پ.آ (۱۳۲۲) *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود هدایت، تهران: تابان.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۱) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ ۱۵، تهران: سروش.

شقایق (ممتحن‌الدوله)، حسینقلی خان (۱۳۵۳) *خاطرات ممتحن‌الدوله*، تهران: امیرکبیر.

شیخ رضایی، انیسه؛ آذری، شهلا (۱۳۷۷) *گزارش‌نظمیه از محلات تهران (راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه ۱۳۰۳-۱۳۰۵ ق)*، جلد ۲، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.

شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

شیل، لیدی ماری (۱۳۶۸) *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ ۲، تهران: نشر نو.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) *ترجمه تفسیرالمیزان*، جلد ۴، چاپ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹) *سفرنامه به گل (تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار)*، تهران: نشر تاریخ ایران.

عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۴) *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، جلد ۱، به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴) *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیجی ئەاورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قدیمی قیداری، عباس؛ سنبلی، ندا (۱۴۰۱) «زن یکی بیش مبر زانکه بود فتنه و شر؛ پژوهشی درباره پدیده چندهمسری در متون ادبی-سیاسی دوره قاجار»، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳(۳)، صص ۱۱۲-۸۳. Doi: 10.30465/ws.2022.41675.3585

قلی‌زاده، جلیل محمد (۲۵۳۷) *قربانعلی و نه داستان دیگر*، ترجمه کریم کشاورز، چاپ ۳، تهران: نگاه.

کروسینسکی (۱۳۶۹) *ده سفرنامه*، ترجمه مهرباب امیری، تهران: وحید.

کنت گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۸۳) *سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوبینو*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

کیانی، منوچهر (۱۳۷۶) *سیه‌چادرها*، شیراز: کیان نشر.

گروته، هوگو (۱۳۶۹) *سفرنامه هوگو گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.

گزارش‌های اوضاع سیاسی اجتماعی ولایات عصر ناصری (۱۳۰۷ ق / ۱۳۷۲)، به‌کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ۷، تهران: نشر نی.

لایارد، سر اوستین هنری (۱۳۶۷) *سفرنامه لایارد (ماجراهای اولیه در ایران)*، ترجمه مهرباب امیری،

۲۳۰ / شکل‌گیری گفتمان انتقادی چندهمسری در جراید ایران اواخر دوره قاجار / قدیمی قیداری و سنبلی

تهران: وحید.

مک گرگور، کلنل سی.ام (۱۳۶۶) شرح سفری به ایالت خراسان، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

ملکم، سرجان (۱۳۸۰) تاریخ کامل ایران، جلد ۲، ترجمه اسماعیل حیرت، تهران: افسون. موزر، هنری (۲۵۳۶) سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، تهران: انتشارات سحر.

ویشارد، جان (۱۳۶۳) بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین. ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳) تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: زرین.

روزنامه‌ها

ایران نو، سال اول، ۲۹ شوال ۱۳۲۷، شماره ۶۵.

_____ ۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، شماره ۶۹.

شکوفه، سال سوم، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳، شماره ۷.

عالم نسوان، سال چهارم، سنبله ۱۳۰۲، شماره اول.

_____ سال سوم، عقرب ۱۳۰۱، شماره دوم.

قانون، نمره ۱۹، ص ۳.

گل زرد، «بکن به حال من نظر خان باجی»، سال سوم، نمره سی و چهارم، دوشنبه ۱ شعبان.

_____ «حکایت مرد چهار زنه»، سال سوم، نمره سی و ششم، دوشنبه ۲۳ شعبان (اردیبهشت ۱۳۰۱).

_____ «سرگذشت زن جادوگر»، سال چهارم، نمره بیست و یکم، دوشنبه ۸ جمادی‌الاول.

_____ «شکایت زن از شوهر»، سال چهارم، نمره بیستم، دوشنبه جمادی‌الاول.

_____ «مرد دو زنه»، سال چهارم، نمره بیست و ششم، سه‌شنبه بیست و هفتم رجب ۱۳۴۱ (۱۳ اسفند ۱۳۰۲).

_____ سال چهارم، نمره نهم، دوشنبه، ۲۹ ذی‌الحجه.

_____ سال چهارم، نمره هفتم، دوشنبه ۱۵ ذی‌الحجه.

_____ سال سوم، نمره چهل و یکم، دوشنبه چهارم شوال ۱۳۳۸.

ملانصرالدین، «ایولنمک قاعده سی»، ۲۴ فوریه ۱۹۰۸، شماره ۸.

_____ «آرواتلاریمز»، ۲۳ مارس ۱۹۰۸، شماره ۱۲.

_____ «بیر پاره خبرلر»، ۱۳ اکتبر ۱۹۰۸، شماره ۴۱.

_____ ۳ مه ۱۹۰۹، شماره ۱۸.

_____ ۹ و ۲۳ ژانویه ۱۹۰۶، شماره ۱۲-۱۰.

_____ ۱۹ یانوار ۱۹۰۷، شماره ۳.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۳۱

_____ ۲۴ یانوار ۱۹۰۷، نمرة ۴.

نامه بانوان، ۲۴ جدی ۱۲۹۹، شماره ۷.

نامه فرنگستان، پرویز کاظمی، «راه نجات (سعادت زن سعادت مملکت است)»، سال اول، شماره ۲،

۱۳۰۳ / ژوئن ۱۹۲۴، ص ۶۲.

_____ حسن نفیسی بادکوبه، «نسوان نوازی»، سال اول، شماره ۶، اکتبر ۱۹۲۴، ص ۲۸۷.

Binning, R. B.M, 1857, A Journal of Two Years Travel in Persia. Ceylon e t c. Vol 2.
London: WM.H. Allen and Co. Leaden hall Street.

Sykes, Ella C. 1910, Persia and its People. New York, the Macmillan Company.



۲۳۲ / شکل‌گیری گفتمان انتقادی چندمهم‌سری در جراید ایران اواخر دوره قاجار / قدیمی‌فیداری و سنبل‌ی



تصویر ۱. تازه آمد و کهنه رفت. مادر این مهمان تازه کیست؟ مادرت خاک بر سر شده
ملائصرالدین ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷.



تصویر ۲. چهار دانه کفایت می‌کند.
(در این کاریکاتور در انتقاد به وضعیت زنان، آنان را به شکل عروسک‌هایی نشان داده که از خود هیچ
اختیار و اراده‌ای ندارند)

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۳۳



تصویر ۳. عمو قاسم زود باش بیا که زنان همدیگر را تکه تکه کردند.
ملانصرالدین، ۱۹ یانوار ۱۹۰۷، شماره ۳.



تصویر ۴. کیف مال من، اختیار مال من، یه تازه شو می‌گیرم، کهنه را هم طلاق می‌دهم.
ملانصرالدین، ۲۴ یانوار، نمره ۴، ص ۴.



تصویر ۵. در خانه چهار زن کافی است اما گاهی اوقات قیل و قال می‌کنند.
ملانصرالدین، ۲۰ آگوست ۱۹۰۷، شماره ۳۱، ص ۸

جدول ۱. فهرست روزنامه‌های به تفکیک گفتمان انتقادی

نام روزنامه	عنوان مقاله	تاریخ نشر	گفتمان انتقادی
ملانصرالدین		-ملانصرالدین، ۲۰ آگوست ۱۹۰۷، شماره ۳۱، ص ۸. - ۲۴ یانوار، نمره ۴، ص ۴. - ۱۹ یانوار ۱۹۰۷، شماره ۳. - ۱ دیقابر، شماره ۳۵. - ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷.	کاریکاتور
ملانصرالدین	کتاب درسی جدید آرواتارمیز (زنان ما)	- ۹ و ۲۳ ژانویه ۱۹۰۶، شماره ۱۰-۱۲. - ۲۳ مارس ۱۹۰۸، شماره ۱۲، صص ۳ و ۶.	طنز انتقادی
ملانصرالدین	ایولنمک قاعده‌سی (آداب ازدواج) بیر پاره خیر لر	- ۲۴ فوریه ۱۹۰۸، شماره ۸، ص ۳. - ۱۳ اکتبر ۱۹۰۸، شماره ۴۱، ص ۲.	نوشتار صریح
ایران نو	لایحه خانم دانشمند	سال اول (۲۹ شوال ۱۳۲۷)، شماره ۶۵. سال اول (۴ ذی القعدة ۱۳۲۷)، شماره ۶۹.	نوشتار صریح
شکوفه		سال سوم (۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳)، شماره ۷، ص ۱	
نامه بانوان	انسان شرافتمند	۲۴ جدی ۱۲۹۹، شماره ۷.	نوشتار صریح
عالم نسوان	ازدواج تازه سرگذشت نوشی	- سال سوم، عقرب ۱۳۰۱، شماره دوم. - سال چهارم، سنبله ۱۳۰۲، شماره اول.	نوشتار صریح
نامه فرنگستان	راه نجات فمنیسم یا زن‌نوازی نسوان‌نوازی	- سال اول، ۱۳۰۳/۱۹۲۴، شماره ۲، ص ۶۲. - سال اول، اکتبر ۱۹۲۴،	نوشتار صریح

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۲۳۵

نام روزنامه	عنوان مقاله	تاریخ نشر	گفتمان انتقادی
		شماره ۶، ص ۲۸۷ - سال اول، اکتبر ۱۹۲۴، شماره ۶، ص ۲۸۸	
گل زرد	کاشکی می‌مردم نمی‌دیدم هوو بکن به حال من نظر خان باجی مسکین حکایت مرد ۴ زنه شکایت زن از شوهر سرگذشت زن جادوگر	- سال سوم، نمره ۴۱، چهارم شوال ۱۳۳۸، ص ۴. - سال سوم، نمره ۳۴، اشعبان، ص ۳. - سال چهارم، نمره ۷، ۱۵ ذی‌الحجه، ص ۴. - سال سوم، نمره ۳۶، ۲۳ شعبان، ص ۲. - سال چهارم، نمره ۲۰، جمادی‌الاول، ص ۴. - سال چهارم، نمره ۲۱، جمادی‌الاول، ص ۴. - سال چهارم، نمره ۲۶، ۲۷ رجب ۱۳۴۱، ص ۲ و ۱. - سال چهارم، نمره ۹، ذی‌الحجه، ص ۴.	اشعار عامیانه

List of sources with English handwriting

Newspaper

- Qānūn, no. 19, p. 3.
Gol-e Zard, "Bekon be ḥāl-e man nazar k̄ān Bāji," Year 3, no. 34, dated Monday, 1 Sha' bān. [In Persian]
Gol-e Zard, "Hekāyat-e mard-e chāhār-zaneh," Year 3, no. 36, Monday, 23 Sha' bān (Ordībehesht 1301 Sh./May 1922). [In Persian]
Gol-e Zard, "Sargozašt-e zan-e jādūgar," Year 4, no. 21, dated Monday, 8 Jumādā al-Ūlā. [In Persian]
Gol-e Zard, "šekāyat-e zan az šohar," Year 4, no. 20, Monday, Jumādā al-Ūlā. [In Persian]
Gol-e Zard, "Mard-e do-zaneh," Year 4, no. 26, Tuesday, 27 Rajab 1341 (13 Esfand 1302 Sh./March 4, 1924). [In Persian]
Gol-e Zard, Year 4, no. 9, Monday, 29 Dhi'l-Hijja. [In Persian]
Gol-e Zard, Year 4, no. 7, Monday, 15 Dhi'l-Hijja. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, 19 Yanvar 1907, no. 3. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, 24 Yanvar 1907, no. 4. [In Persian]
Nāmeḥ-ye Farangestān, Parvīz Kāzemī, "Rāh-e nejāt (Sa'ādat-e zan, sa'ādat-e mamlekat ast)," sāl-e avval, no. 2 (1303 Sh./June 1924), p. 62. [In Persian]
Nāmeḥ-ye Farangestān, Ḥasan Nafīsī Bādkubeh, "Nesvān-navāzī," sāl-e avval, no. 6 (October 1924), p. 287. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, 9 and 23 January 1906, nos. 10–12. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, "Eyülānmāk qā'idəsi," 24 February 1908, no. 8. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, "Ārvātārimiz," 23 March 1908, no. 12. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, "Bir pāre xeberlār," 13 October 1908, no. 41. [In Persian]
Mollā Našr-al-Dīn, 3 May 1909, no. 18. [In Persian]
Irān-e Nū, Year 1 (29 Shawwāl 1327/November 3, 1909), no. 65. [In Persian]
Irān-e Nū, Year 1 (4 Dhi'l-Qa'da 1327/November 7, 1909), no. 69. [In Persian]
šokūfeh, Year 3 (27 Rabī' al-Thānī 1333/March 15, 1915), no. 7. [In Persian]
Gol-e Zard, Year 3, no. 41, Monday, 4 Shawwāl 1338 (June 17, 1920). [In Persian]
Nāmeḥ-ye Bānovān, 24 Jaddi 1299 Sh./January 14, 1921, no. 7. [In Persian]
'Ālam-e Nesvān, Year 3 (Aqrab 1301 Sh./November 1922), no. 2. [In Persian]
'Ālam-e Nesvān, Year 4 (Sunbula 1302 Sh./September 1923), no. 1. [In Persian]

Books

- Quran, trans. Elahe Ghomshei.
Abbasi, M.R., Badii, P. (1993). Gozāreš-hā-ye Owzā'-e Sīāsī - Ejtemā'ī-ye Velāyāt-e 'Ašr-e Nāserī. Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Mellī-ye Īrān, [In Persian].
Afary, Janet, (1998). *The Iranian constitutional Revolution 1906-1911*, trans. Javad Yousefian, Tehran: Bānū. [In Persian]
Allemagne, Henry René d, (1956). *Traveler's writings from Khorasan to Bakhtiari*, trans. Mohammad Ali Farahoshi, Tehran: Amīrkabīr. [In Persian]
Ameli Rezaei, Maryam, (2010). *Safar-e dāne be gol (taḥavvol-e jāyghā-e zan dar naṭr-e doūre-ye Qājār)*, Tehran: Našr-e Tāriḳ-e Īrān. [In Persian]
Arianpour, Yahya, (2003). From Saba to Nima; History of 150 Years of Persian Literature, vol. 3, 4th ed., Tehran: Zavvār. [In Persian]
Āštīānī ('Emād-al-Ḍaftar), Mīrzā Maḥmūd-Taqī, (2008). *Ebrat-nāmeḥ (k̄āṭerātī az dūrān-e pas az janghā-ye Herāt va Marv)*, 2nd ed., Tehran: Markaz. [In Persian]
'Ayn-ul-Solṭāna, Qahramān Mīrzā, (1995). *Rūznāma-ye k̄āṭerāt-e 'Ayn-al-Solṭāna*, vol. 1, ed. Masoud Salvar and Iraj Afshar, Tehran: Asāfir. [In Persian]
Babin, C. & Houssay, Frederic, (1984). *Travelogue of Southern Iran*, trans. Mohammad Hassan Khan Etemad al-Saltaneh, edited by Mir Hashem Mohaddes, Tehran: Donyā-ye Ketāb. [In Persian]
Balslev, Sivan, (2021). *Iranian Masculinities*, trans. Laya Ali-Nia, Tehran: Našr-e Hamān. [In Persian]

- Bayani, Shirin, (2018). Women in Iran in the Mongol Era, Tehran: University of Tehran, Vol. 4 [In Persian]
- Bode, C.A.D, *Lur, Luristan*,(2005). Notes on Luristan and travels in Lurestan and Arabistan, trans. Mohammad Hossein Aria, 2nd ed., Tehran: 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Brugsch, Heinrich Ferdinand Karl, (2010). *Reise Der K. Preussischen Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*, trans. Hossein Kordbecheh, Tehran: Ettlā'āt. [In Persian]
- Dashtkinia, Farhad, (2016) *The Story of Shadows (Seventy Articles from Mulla Nasruddin Magazine on Children and Women)*, Tehran: History of Iran Publications. [In Persian]
- Dehḡodā, 'Alī-Akbar, (1979). *Maqālāt-e Dehḡodā*, ed. Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: 'Elmī. [In Persian]
- Dehḡodā, 'Alī-Akbar, *Čarand parand*, Ma' refat, n.d. [In Persian]
- Delrich, Bashari, (1996), *Women in the Qajar Period*, Tehran: Sāzmān-e Tablīgāt-e Eslāmī. [In Persian]
- Drouville, Gaspard, (2008). *Voyage en Perse, fait en 1812 et 1813*, trans. Javad Mohebbi, Tehran: Enteshārāt-e Gutenberg. [In Persian]
- E'temād-ul-Saltāna, Moḡammad-Hasan Khān, (1966). *Rūznāmeḡ-ye kāḡerāt-e E'temād-ul-Saltāna*, ed. Iraj Afshar, Tehran: Amīrkabīr. [In Persian]
- Ettehadieh (Nezam Mafi), Mansoreh, (2016). *Here is Tehran... A collection of articles about Tehran 1344-1269 AH*, ed. Mansoreh Ettehadieh (Nezam Mafi), 2nd ed., Tehran: Ta'rīkh-e Īrān. [In Persian]
- Furukawa, Nobuyoshi, (2005). *Travels of Nabuyoshi Furukawa member of the general staff the deputy of and first embassy of Japan to Persian*, trans. Hashem Rajabzadeh and Kiniji E Ora, Tehran: Anjoman-e Ātār va Mafāḡer-e Farhangī. [In Persian]
- Giddens, Anthony, (2002). *Socialogy*, trans. Manouchehr Sabourī, 7th ed., Tehran: Našr-e Nī. Gobineau, Joseph Arthur Comte de,(2004). *Trois ans en Asie*, trans. Abd-al-Reza Hoshang Mahdavi, Tehran: Qaḡra. [In Persian]
- Grothe, Hugo, (1990). *Wanderungen in Persien*, trans. Majid Jalilvand, Tehran: Markaz. [In Persian]
- Jaubert, Pierre Amedee Emilien Probe,(1943) *Voyage en armenie et en perse, fait dans les annees 1805 et 1806*, trans. Mahmoud Hedayat, Tehran: Tābān. [In Persian]
- Kiani, Manouchehr,(1997). *Sīyah čādor-hā*, Shiraz: Kīyān Našr. [In Persian]
- Krusiński, Judasz Tadeusz, (1990). *History of The late Revolutions of Persia*, trans. Mehrab Amiri, Tehran: Vahīd. [In Persian]
- Layard, Sir Austen Henry, (1988). *Early Adventures in Persia Susiana and Babilonia*, trans. Mehrab Amiri, Tehran: Vahīd. [In Persian]
- MacGregor, Col. C.M.,(1987). *Narrative of a Journey Through the Province of Khorassan and on the N.W. Frontier of Afghanistan in 1875*, trans. Majid Mehdizadeh, Mashhad: Āstān-e Qods-e Ražavī. [In Persian]
- Malcolm, Sir John, (2001). *History of Iran*, vol. 2, trans. Esmail Heyrat, Tehran: Enteshārāt-e Afsūn. [In Persian]
- Moser, Henri,(1977). *A Travers I Asie central, la Steppe Kirghize- Le Turkestan russe- Boukhara- khiva- le pays des Turkmens et de la perse*, trans. Ali Motarjem, ed. Mohammad Golban, Tehran: Enteshārāt-e Saḡr. [In Persian]
- Olivier, Guillaume Antoine, (1992). *Travels in the Ottoman Empire, Egypt, and Persia*, trans. Mohammad Taher Miraz, ed. Gōlām-Režā Varahrām, Tehran: Ettlā'āt. [In Persian]
- Orsolle, Ernest, (2003). *le caucase et la perse*, trans. Ali Asghar Saeedi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Polak, Jakob Eduard, (1989). *Persian das land und seine bewohner*, trans. Keikavous Jahandari, Tehran: K̄vārazmī. [In Persian]
- Qolizadeh, Jalil Mohammad, (1978). *Qorbān'alī va noh dāstān-e dīgar*, trans. Karim eshavarz, 3rd ed., Tehran: Negāh. [In Persian]
- Rice, Clara Colliver, (2004). *Persian women*, trans. Asadollah Azad, Tehran: Ketābdār. [In Persian]
- Šaqāqī (Momtaḡen-al-Dowla), (1974). *Ḥosaīnqolī Kān, Kāḡerāt-e Momtaḡen-al-Dowla*, Tehran: Amīrkabīr. [In Persian]
- Sarukhani, Baqer, (2012). *Introduction to the Sociology of the Family*, 15th ed., Tehran: Sorūš. [In Persian]

- Sheikh Rezaei, Aniseh and Shahla Azari, (1998). *Gozāreš-e Nazmīya az maḥallāt-e Tehran (Rāpurī-e vaqāye'-e moḳtalefa-ye maḥallāt-e Dār-al-Ḳelāfa 1303-1305h.q.)*, vol. 2, Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e Asnād-e Mellī-ye Īrān, Pažūheškade-ye Asnād. [In Persian]
- Sheikhi, Mohammad Taghi, (2001), *Sociology of Women and Family*, Tehran: Šerkat-e Sahāmī-ye Enteshār. [In Persian]
- Shiel, Lady Mary, (1989). *Glimpses of Life and Manners in Persia*, trans. Hossein Abu Torabian, 2nd ed., Tehran: Našr-e Now. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1995). *Tarjome-ye Tafsīr al-Mīzān*, vol. 4, 5th ed., Qom: Daftar-e Enteshārāt-e Eslāmī. [In Persian]
- Tancoigne, J.M, (2004). *Lettres sur la perse et la Turqui d Asia*, trans. Ali Asghar Saedi, Tehran: Češmeh. [In Persian]
- Toyokichi, Yenaga, (1899). *A Travel Oguethe trip to Iran and the asia minor Travels of Toyokichi Yenaga (1899)*, trans. Hashem Rajabzadeh and Kinji E Ora, Tehran: Ṭahūrī. [In Persian]
- Unknown Author . (2021). Sexual and Gender Violence: A Dictionary of Vocabulary from A to Z, International Federation of Human Rights Societies (FIDH), 2013, translated by Khalil Rostamkhani, Tehran: Ārmān-šahr. [In Persian]
- Wills, Charles James,(1984). *Persia As It Is Being Sketches of Modern Persian Life And Character*, ed. Jamshid Dodangeh and Mehrdād Nīknām, Tehran: Zarrīn.
- Wishard, John, (1984). *Twenty years in Persia; a narrative of life under the last three shahs*, trans. Ali Pirniya, Tehran: Enteshārāt-e Novīn.

Article

- Torabi Farsani, Soheila. "(2015). Woman and Change in the Everyday Life Based on Women's Newspapers in Qajar Era. *Tārīkh-i Īrān*, 8(1), 89-107. [In Persian]
- Torabi Farsani, S. (2016). Women And Discourse Change Through Women Newspapers (From The Constitutional Movement Upto Pahlavi Era). *History of Islam and Iran*, 26(30), 69-92. doi: 10.22051/hii.2016.2502.[In Persian]
- Rostami Tabrizi, Lamia.(2008). "Polygamy and Its Legislative Conditions in the Family Draft Bill." *Family Research Journal*, vol. 4 . [522-541]. [In Persian]
- Sonboli, N. and Ghadimi Gheidari, A. (2022). "Zan yaki bish mabar zaan keh bovad fetneh vo shar"; A study on the phenomenon of polygamy in the Qajar period. *Women Studies*, 13(41), 75-112. doi: 10.30465/ws.2022.41675.3585 .[In Persian]

REFERENCES

- Binning, R. B.M, (1857), *A Journal of Two Years Travel in Persia, Ceylon e t c. Vol 2.* London: WM.H. Allen and Co. Leaden hall Street.
- Sykes, Ella C. (1910) *Persia and its People.* New York, the Macmillan Company.



©2024 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC- ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

The Formation of a Critical Discourse on Polygamy in Iranian Press in the Late Qajar Period¹

Abbas Ghadimi Gheidari²
Neda Sonboli³

Received: 2025/ 01/29
Accepted: 2025/04/23

Abstract

In the late Qajar period, particularly during the constitutional era, the emergence of a more open political and social atmosphere led to the discussion of new issues concerning women—issues that had not been addressed publicly before. This included the question of polygamy, which became the focus of certain newspapers, intellectuals, and educated elites. Research shows that these newspapers and their authors, who saw a change in the status of women as a fundamental prerequisite for social change in Iran, initiated a critical discourse on traditional women's issues, including polygamy. The findings of this study demonstrate that these writers employed direct prose, satirical criticism, popular poetry, and caricatures to critique polygamy and examine its social and economic causes and consequences. This article uses thematic analysis of narratives—a method of content analysis- to examine how and why a critical discourse on polygamy emerged in the newspapers and journals of the time, and how this discourse played a significant role in shaping the cultural transformation of Iranian society.

Keywords: Iran, Qajar Period, Women, Polygamy, Critical Discourse, Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. DOI: 10.22051/hph.2025.49841.1779

2. Professor of History, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran: (Corresponding Author) ghadimi@tabrizu.ac.ir

3. P.H.D, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran: nedasonboli@tabrizu.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507